

دریا

سال هفتم

چهارشنبه ۳ مهر ماه

برابر با ۲۳ رمضان

۱۴۲۹

فوران واژه ها

لشکر دفاع مقدس

ای بندر ما اواطلس		دور ایچا وگشتی دس
مٹ آیتے ی پاکن		اودن پاهر نژود مرس
تو جلورو توی چهجه		هوسر بائری سبن سس
توی این دیروای آبروو		ناموینہ هیچوی کسک
هه جای خالک ایران		لشکری دفاع مقدس
		هومن حسین پور مکرمی

نهایل من

خشکیده شد به آتش سوزنران نال من		هر سو،هر هاست سنگ جفایی به بال من
شمعی که شام غریب او مرا گریستم		اکنون کجاست تا که بگرید به حال من
ترسم که بعد من نرسد شک دو دیده ام		خواب دل جلوه کند بر سفال من
آکسس که دشمنی نر بر اید مروا داشت		باید دعد جواب به مرومن سوال من
تصویر داغ دل بکشد شعله فکری دعد		باران دیده ار دمی امشب مجال من
		غلامرضا احمدی (شعله)

مکت فانوس

قایق خیالی در ساحل رویا به گل می نشیند		و در نگاه آکنفته وهرقی شکسته
کسی عاشقانه می گفتار د آدآ		صدفی بر سینه شهای اترترو می شکند
موجی سراسیمه بر چهره صدف سیلی می نرشد		و لبخندش مرا می مریابد در میان گنگاها
دریا در موسیقی سکوت فرو می چکد		صخره ای چشـم بر راه پیداری می نشیند
و خواب می نرود تا غروب ماوا		با د مکتی می کند
فانوس ناوازش خاوشن می شود		و فانوس بان مرگ مرا می شود در یک صدا
ساحل تنها می ماند		قایق در گل می نشیند
واترمنرو غمخـور می سراید بلبک ندا		زهر ا میگلوری (فریبه)

یادماندگار

دفاع مقدس از زبان رزمندگان استان هرمزگان



سردار علی دانشمند،جانشین سپاه امام صادق (ع) استان هرمزگان

نقش بی بدیل استان هرمزگان در دفاع مقدس
در آغاز شروع جنگ ۸ ساله دفاع مقدس همزمان با دیگر نیروهای زیادت بود که بنده مسئول اعزام رزمندگان و حرکت کاروانهای اعزامی به مناطق عملیاتی بودم . همه بسیجیان خودجوش برای اعزام و آموزش مشتاقانه آمده بودند و بسیار با علاقه و انگیزه به سوی جبهه های حق علیه باطل حضور پیدا کنند.

در محل گانهای رزمی و مکان های اعلام شده برای اعزام نیروهای بسیجی رزمنده پس از گذراندن آموزشهای مقدماتی و با هماهنگی مراکز پذیرش پایگاههای اعزام به جبهه با یگان های عملیاتی و رزمی در جبهه ها طی مراسمی با بدرقه خانواده هایشان ، مردم و مسئولین از مرکز سپاه فعلی و محل مصلی قدس بندرعباس و مسجد امام (ره) کاروان های بسیجیان را اعزام می کردند. بعد از سازماندهی و آموزشهایی که بسیجیان دیده بودند مانند دیگر رزمندگان از سراسر و استان شهر بندرعباس اعزام می شدند.

دراپتامدنیروهای داوطلب و سازماندهی شده به شکل متفرق و پراکنده به یگان هایی که اشاره شد به جبهه اعزام می شدند اما بعدها به صورت کاروانی سازماندهی شده و در یک تاریخ معین می آمدند و بعد از گذراندن آموزش و سازماندهی و هماهنگی اعزام می شدند. تحت عنوان کاروان هایی مثل یا صاحب الزمان ،کاروان اعزامی یا مهدی ، کاروان اعزامی یا زهرا (س) و همین طور کاروان یا رسول الله و لبیک یا خمینی پیشاپیش پرچمداران و رزمندگان اعزام می شدند. همچنین یگان هایی عملیاتی که رزمندگان در جبهه اعزام می شدند:

۱- لشکر ۴۱ تارالله که یکی از یگان های رزمی بود و شامل نیروهای استان هرمزگان ، بسیجیان و بلوچستان و کرمان بود که به این لشکر اعزام می شدند یعنی سه تا از استان نیروهایشان را در قالب سازماندهی گردانی یا گروهانی به لشکر ۴۱ تارالله در جبهه اعزام می کردند.

۲- همین طور بخشی از نیروها هم به لشکر ۱۹ فجر اعزام می شدند که آن لشکری بود که نیروهای استان فارس و بخشی از نیروهای استان هرمزگان و



بودن ذات احدیت، لیکن "واحد" دلالت دارد بر نفی شریک و "أحد" دلالت دارد بر نفی اجزاء، اله (الاهه) عالم "أحد" است یعنی به هیچ وجه برای آن ذات مقدس اجزایی متصور نیست. نه اجزا ذهنی و عقلی، مثل جنس و فصل و نه اجزاء و همی مثل وجود و ماهیت و نه اجزاء خارجی مثل دست و غیره

واحد حقیقی کسی است که خدا را به وحدت بشناسد و به عین البقین انذعان و تصدیق نماید که اصلاً تصور شریک برای ذات الهی ممکن نیست. زیرا که وحدت، صفت ثبوتی آن فرد متعال است، نه صفت سلبی. واحد فرد ازلی وابدی است که ثانی آن وجود ندارد.

"أحد" مخصوص به عاقل است مثل آنکه وقتی گفته شود در خانه احدی نیست، چنین مفهومی گردد که در خانه انسانی وجود ندارد، لیکن ممکن است

گلوله

مهازرگر

جای درد گلوله رو، روی شکم احساس می‌کنم، دستا مو روی پیراهنم می‌کشم و دستام پر از خون می‌شه، و حشت می‌کنم بیشتر و حشتم از مرگه . اما بیشتر از اون وحشتم از دو گلوله ای که به امیر خورده ، امیر خودش،رو پیاده روی خیابون می‌کشه، نفساش به سختی در میاد تگاش می‌کنم، اشک توی چشمای حلقه زده ، سعی می‌کنه با من حرف بزنه . اما صداش از گلوش بیرون نمی‌یاد . به من اشاره می‌کنه قرار کنم. اما من از سر جام نکون نمی‌خورم ، فقط به اون و خونی که ازش روی پیاده روی خیابون ریخته نگاه می‌کنم، می‌خوام داد بزنم امیر دوستت دارم ، از خیلی وقت پیش دوست داشتم به همین دلیل همرات شدم نه به خاطر انقلاب ، به خاطر خودت بود ! در همین لحظه سیل عظیم تظاهرکننده ها وارد خیابون می‌شه، همه دارن فرار می‌کنند. صدای گلوله از هر طرف شنیده می‌شد. امیر به سختی روی دستش بلند می‌شه و می‌گه: برو دختر نابست، کشته

می‌شی ، برو ، از اینجا برو.
از جمله امیر گریه ام می‌گیره، اما می‌خوام بهش بگم شاید این آخرین دیدار ما باشه. می‌خوام بدونه نوشتن داشتم. اما نمی‌تونم ! من هم همراه سیل مردم به حرکت در میام و به سمت جلو کشیده می‌شم. پیکر امیر زبردست و پای مردم کم کم از نظرم ناپدید می‌شه.دیگه نمی‌بینشم. طومر طور می‌کرد من با عشق اون وارد این عشق شدم . صدای

خاطرات حماسه جوانان دیروز

حضور داشتند . یکی جبهه جنوب و غرب که محل اصلی اعزامی های ما در یگان های عملیاتی و رزمی در استان خوزستان به خصوص در جبهه های جنوب بود و یکی هم در خلیج فارس یعنی در همین استان هرمزگان در خلیج فارس و تنگه هرمز به جزایر مهم و آنجایی که محل اعزام نیرو به آنجا بود اعزام می شدند.

از جمله شهدایی که در بحث دریا شهید شدند و در خلیج فارس با ناوهای آمریکای و خارجی جنگیدند شهیددارا و شهید رئیس ی بود.

ستادهای کمک رسانی و پشتیبانی بود که در جهت جمع آوری کمک ها و نیازمندی های رزمندگان همکاری داشتند. یکی هم ستاد کمک های اولیه و امداد پزشکی استان بود که اعزام پزشک ، امدادگر و پرستار ، آمبولانس ، دارو و هر چه نیاز امدادی و پزشکی بود و حتی خود نیروهایی که همان اوایل آموزش دیده بودند اعزام می کردند. ستاد حزب و هدایت کمک های مردمی توسط خود مردم به عنوان همکاری پشت جبهه ها توسط خیلی از رزمندگان ، اقوام و بستگان و خانواده های آنان درجهت آماده کردن امکانات برای رساندن به جبهه همکاری داشتند. ستاد پشتیبانی جبهه و جنگ ستادی بود که توسط بازاربایان و با محوریت اداره بازرگانی در آن محل مستقر بود که بیشتر کمک های دولتی و نهادهای دستگاه های اجرایی جمع آوری و به ستاد پشتیبانی میاموری می کردند. بود. همطور امدادگران ،پزشکان، پرستاران ،اعزام آمبولانس دارو نیازمندیهای درمانی و پزشکی اعزام می کردند.

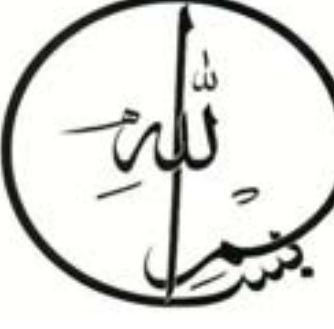
اما غیر از این یک بخش دیگر از نیروهای ما تخصص دریایی داشتند و آموزش های دریایی را گذرانده بودند . یا از قبل خودشان با دریا و دریانوردی آشنا بودند و قایق داشتند یا کار دریایی انجام داده بودند .

اینها آمادگی داشتند که کارهای دریایی جبهه را انجام دهند مثل قایقرانی ،ملوانی و سکانداری بیشتر در بحث های دریایی انجام می دادند . وونخانه ارونند یا هور العظیم و دیگر جاهای دریایی این بخش از کار را آنها انجام می دادند و همین طور یگان ویژه دریایی و ناوتیپ دریای کوثر که محلش در جبهه جنوب و کارش دریایی و تخصصی بود بسیجیان آموزش دیده ما آمادگی امی و خاکی داشتند که بچه های دریایی در همین دو بخش ناوتیپ دریایی کوثر یگان ویژه دریایی و یک تده هم از همان اوایل شروع جنگ به پایگاه منتظران شهادت که به ستاد جنگهای نامنظم شهیدچمران وابسته بود اعزام می شدند.

در آغاز جنگ تعدادی از بسیجیان و پاسداران ونیروهای داوطلب به آنجا اعزام می شدند. یکی از گردنهایی لشکر از نیروهای استان هرمزگان بندرعباس تشکیل شده بود که یک گردان ویژه عملیاتی بود به عنوان گردان ۴۲۲ مشخص شد. بچه های بسیار ناب و پاکی داشت که آموزشهای مختلف را دیده و یک گردان خط شکن و ویژه ای بود که برای هر مرحله از عملیات به محض اعلام ماموریت حضور پیدا می کردند.

مبارزه رزمندگان هرمزگانی بصورت همزمان در چند جبهه رزمندگان همزمان در استان هرمزگان در دو جبهه

فرهنگ و هنر



خداوند را نام های نیکوست ، پس او را با آن نام ها بخوانید

اسماء الهی

است حیوانی باشد . اما واحد چنین نیست .

شامل حیوان نیز می گردد و شاید یکی از اسراری که دراین سوره، احد را تخصیص به ذکر داده و نگفته (ا...و احد) این باشد که واحد مبدا اعداد است . نام مبارک "أحد" از اسماء الحسنی الهی است فقط یک مرتبه درسوره اخلاص بیان گردیده است .آن أحد یگانه ای که این عالم را از ماده و نیستی لباس هستی پوشانیده و ماده را تبدیل به نیرو می کند و باز به خود برمی گرداند او یگانه ای است که از هرگونه تصور منزّه، پاک و میری است و هستی را از ذره نامرئی او آفریده و وسعت و توسعه داده و او باز ضعیف می کند و به اصل جزء نامرئی برمی گرداند تا ماده تبدیل به نیرو گردد که انالله و انا الیه راجعون .

اول اول است پیش از تمام موجودات ، آخر است بعد از فانی همه ممکنات و موجودات و باقی ابدی است و آخر ندارد .مبدا صدور همه اسباب و



دیوار کوچه اصابت می‌کنم . خون زیادی ازم رفته اما هنوز سپارمی می‌تونم راه برم . خودم هم از این نیروی خودم تعجب می‌کنم . صدای هلیکوپتر ها رو بالای سرم می‌شنوم مردم فریاد می‌زنند و شعار می‌دن یک لحظه از تلاش و تکیاود دست بر نمی‌دارند ای کاش من مثل اونا عاشق بودم اما عشق من فرق می‌کرد من باعشق اون وارد این عشق شدم . صدای

■ نام مبارک "أحد" از اسماء الحسنی الهی است فقط یک مرتبه درسوره اخلاص بیان گردیده است .

اسماء الهی

است حیوانی باشد . اما واحد چنین نیست .

شامل حیوان نیز می گردد و شاید یکی از اسراری که دراین سوره، احد را تخصیص به ذکر داده و نگفته (ا...و احد) این باشد که واحد مبدا اعداد است . نام مبارک "أحد" از اسماء الحسنی الهی است فقط یک مرتبه درسوره اخلاص بیان گردیده است .آن أحد یگانه ای که این عالم را از ماده و نیستی لباس هستی پوشانیده و ماده را تبدیل به نیرو می کند و باز به خود برمی گرداند او یگانه ای است که از هرگونه تصور منزّه، پاک و میری است و هستی را از ذره نامرئی او آفریده و وسعت و توسعه داده و او باز ضعیف می کند و به اصل جزء نامرئی برمی گرداند تا ماده تبدیل به نیرو گردد که انالله و انا الیه راجعون .

اول اول است پیش از تمام موجودات ، آخر است بعد از فانی همه ممکنات و موجودات و باقی ابدی است و آخر ندارد .مبدا صدور همه اسباب و

پای سربازها رو از دور می‌شوم . سرتعم رو بیشتر می‌کنم . صدای آب میاد ، جلو مو نگاه می‌کنم پلی که روی رودخونه کشیدند رو می‌بینم . خودمو به سختی به زیر پل می‌کشونم توی تاریکی خودمو جمع و جور می‌کنم ، سرم و به دیوار پل تکیه می‌دم ، دیگه نمی‌تونم نفس بکشم به سختی هوارو توی ریه هام می‌کشونم ، برگه های اعلامیه رو از توی لباسم بیرون میارم ،نگاشون می‌کنم همشون قرمز شدن نوشته هاش دیگه معلوم نیستند ، اما این تنها یادگاریه که ازش دارم ، تنها همین ها ازش برام باقی موند.

اینها تنها یادگاریه روزهای تنهایی بدون اون هستند . به رودخونه نگاه می‌کنم ، رودخونه امشب خیلی پر تلاطمه ، انگار اون هم غصه دار ه امشب هیچ چیزی مثل هر شب نیست شاید آسمون هم امشب بپاره . اگر بیاره همه توی غصه من شریک می‌شن. دستام می‌لرزه، دیگه . اختیارشون ندارم، برگه ها همشون ادرستم توی رودخونه رها می‌شن. انگار خودمو به هم می‌خواب آخرین یادگاریه های منو با خودش بره .

کاش توان داشتم و نمی‌داشتم اونارو ببره ، اونا مال من نبودند . دیگه ششام سو ندارند سایه کسی رو بالای سرم می‌بینم . انگار چیزی در دست داره .نوری از طرفش میاد و صدای شلیک گلوله میاد.

خاطرات سه تن از رزمندگان دوران دفاع مقدس در "هرمزگان"

در آستانه دفاع مقدس سه تن از رزمندگان آن دوران در گفت وگوبا خبرنگار ایرنا، خاطرات تلخ و شیرین خود را بیان کردند.

این سه تن که ازهرمزگان بارها در جبهه های جنوب و غرب حضور داشته اند مهمترین عامل موفقیت در پیروزی را ایمان رزمندگان به خدا، تبعیت از فرماندهی کل قوا و وحدت و همبستگی و یکدلی دانستند. این عده بیان کردند: دوران دفاع مقدس دانشگاه انسان سازی بود و انسانهای آن دوران درجنگ مثل فرشته بودند که به گفته شهید چمران جبهه دانشگاهی که نتیجه فارغ التحصیلی آن شهادت است. مسوول فاوا (فناوری واطلاعات و ارتباطات) سپاه امام سجاد (ع) هرمزگان گفت:من در ۱۳۶۰ پس از عضویت در بسیج از بندرعباس به منطقه جنگی اعزام شدم و در عملیات رمضان شرکت کردم.

سرهنگ دوم پاسدار حسن ماندگاری افزود: درسال ۶۱عضو رسمی سپاه شدم و برای دو نم به جبهه اعزام شدم و در عملیات والفجر سه و همچنین در عملیات والفجر هشت، منطقه ناو شرکت کردم.

وی ادامه داد: شرکت در عملیاتهای کربلای چهار وپنج بعنوان مسوول مخایرات ناوتیپ کوثر و در بقیه عملیاتهای آن جمله عملیات والفجر هشت اربی جی زن بود.م. وی که سابقه دوسال حضور در جبهه را در کارنامه دوران دفاع مقدس دارد می افزاید: سراسر جبهه خاطره بود یوپوزه در منطقه عملیاتی دهلران به سمت مهران شب به شکار تانکهای دشمن می رفتیم.

ماندگاری گفت: درهمین حین چند نفر از هرمزگان درکمین دربرابر چشم ما شهید و زخمی می شدند تا اینکه یکی از رزمندگان توانست خود را به یک بلوزدر دشمن برساند.آن را روشن کرد و وقتی بعضی ها فهمیدند در شب صدایی می آید به حساب اینکه ایرانی ها با تانک به آنها حمله می کنند . تا۶۰-۷۰نفر از آنها از ترس تسلیم شدند و ما آنها را به اسارت گرفتیم.

ماندگاری اظهارداشت: اکثر رزمندگان زرمزه با خدا، ذکر دعا ورد زبان روزانه آنها بود وویزگترین افتخار آنها عبادت و یاد خدا بود ویکی دیگر از امتیازات این بود که شخصاً برای شهادت در راه خدا آمده بودند و به استقبال شهادت می رفتند.

وی افزود: ما باید این روحیه را در جوانان حفظ کنیم زیرا یکی از عواملی که دشمنان یوپوزه آمریکا جرات روبروایی با کشورمان را ندارد همین روحیه شهادت طلبی است.

وی گفت: دیروزتحت رهبری امام (ره) وامروز رهبر معظم انقلاب مردم با روحیه کشورمان برای حفظ از کباب این نظام مقدس آماده هستند.

مسوول تربیت و آموزش سپاه امام سجاد(ع) هرمزگان گفت: من از سال دوم راهنمائی درسال ۱۳۶۱ به جبهه اعزام شدم جمعا ۷۶ ماه در جبهه های جنوب و غرب اعم آبادان ،خسروآباد ،خرمشهر، شلمچه، هور، مهران ، دهلران ،قصر شیرین ،سرپل نجاب ،مروان و سرپدشت و فاو بودم.

سرهنگ ختیار صالحی افزود: درعملیات والفجر مقدماتی،الفجرسه، والفجر هشت ، کربلای یک، ۵ و آخرین آن هم تگ شلمچه در خردادماه ۶۷ شرکت داشتم. وی بیان کرد: چون بچه های هرمزگانی با دریا و ساحل آشنایی داشتند از آنها در مناطق دریایی بیشتر استفاده می شد گردان ۴۲۲ لشکر تارالله هم که فرزندان هرمزگانی

■ نام مبارک "أحد" از اسماء الحسنی الهی است فقط یک مرتبه درسوره اخلاص بیان گردیده است .

اسماء الهی

است حیوانی باشد . اما واحد چنین نیست .

اخبار فرهنگی هنری

بیان "روایت جاسوز" در شب ضربت

■ تصویربرداری جدیدترین اثر سیمای مرکز خلیج فارس با عنوان تله تئاتر شب ضربت به پایان رسید . به گزارش روابط عمومی صدا و سیمای مرکز خلیج فارس؛ تله تئاتر شب ضربت با مدت زمان ۳۵ دقیقه روایت تاریخی جنایت سه نفر ازخوارج جنگ نهروان و نهایتاً شهادت امام علی (ع) به دست ابن ملجم مرادی را به تصویر می‌کشد. بنا بر این گزارش، تهیه کننده و کارگردان هنری این اثر محمود شاکری و کارگردانی تلویزیونی محمد عادل زاده است و فائزه عطارزادگان بعنوان منشی صحنه ، منصوری و احمدزاده تنظیم و قادری ،میرزایی،ایرانیپرست نورو تصویر و مهربا بهرامی صدابرداری آن را برعهده داشته اند. این تله تئاتر در هجدهم ماه مبارک رمضان همزمان با شب ضربت مولی الموحدین حضرت علی (ع) از شبکه استانی سیمای مرکزخلیج فارسپخش خواهد شد و محمد علی قوبدلی، سیما پرسرالاری و علی ذاکری در آن ایفای نقش نموده اند.

روایت "دفاع مقدس" در حماسه سبز

■ شبکه استانی سیمای مرکز خلیج فارس در هفته دفاع مقدس با ویژه برنامه حماسه سبز ۸ سال ایستادگی را روایت می‌کند.

به گزارش روابط عمومی صدا و سیمای مرکز خلیج فارس در این ویژه برنامه معرفی خانوادههای شهدا، مرور خاطرات رزمندگان و ایثارگران سالهای دفاع مقدس، پرده‌پوش سروهایی حماسی، معرفی دستاوردهای دفاع مقدس با استفاده از تصویر و گفتار متن و میان پرده نمایشی با هدف نمایش روحیه و شوخ طبعی رزمندگان اسلام در اوج سختی و تلاش و همچنین حضور در میان مردم ، جوانان و نسل سوم انقلاب با استفاده از گزارش و مسابقه آیت‌ها های۷ برنامه ۳۰دقیقه ای ترکیبی نمایشی است که تهیه کنندگی آن برعهده عبدالمهدی ذوالفقار پور با اجرای سید یحیی شریفی است .

معرفی جاذبه های طبیعی در مستند حیات "مانگرو"

■ زیستگاههای طبیعی جنگلهای حرا (مانگرو) از مهمترین و ارزشمندترین منابع طبیعی استان هرمزگان است که به لحاظ دربرگیری حیات گوناگون گیاهی، جانوری و انسانی از اهمیت بسیار خاص و و پژه ای برخوردار است . به گزارش روابط عمومی صدا و سیمای مرکز خلیج فارس عبدالعزیز قاسمی تهیه کننده و کارگردان این مجموعه قصد دارد در دو برنامه ۲۰ و ۳۰ دقیقه ای با بهره گیری از جلوه های تصویری ، موسیقی و افکت زیبایی ها و برجستگی های این زیستگاه طبیعی هرمزگان را مصور نماید. تصویربرداران این مجموعه مستند مسعود میرزایی و سعید ماندگاری هستند و صدابرداری آن را مهربا بهرامی انجام خواهد داد و بهرنگ عباسپور موسیقی های این مجموعه مستند می سازد. بنا به این گزارش، مستند حیات در مانگرو با موضوع علم و فن و با هدف اطلاعاتی آموزشی و در قالب مستند محض ساخته و تولید می شود.

خاطرات سه تن از رزمندگان دوران دفاع مقدس در "هرمزگان"

یادماندگار



وی از جمله این عملیات را رمضان،طریق القدس وکربلای ۵،و،الفجر مقدماتی و مرصاد ذکر کرد و افزود: از همه این عملیات خاطره دارم و پرشده گروهان هم بودم.

وی یکی از این خاطرات را در عملیات رمضان ذکرکرد و می‌گوید: دراین عملیات یکی از دسته های ۲۲ نفره سمت راست قرار بود به لشکر امام حسین (ع)ملحق شود که در حین عبورازکانال عراقی کمین کردند و ۲۱ نفر از رزمندگان بوسیله رگبار گلوله تیربار شهادت رساندند.

وی ادامه داد: من هم که فرمانده بودم تا به سمت کانال رقتم از قسمت ران زخمی وبه بیمارستان صحرایی منتقل شدم و پس از درمان روز بعد به منطقه برگشتم ولی همه فکر می کردند من شهید شدم.

وی یکی دیگر از خاطرات مربوط به یکی از رزمندگان نیروهای بعثی خیلی نزدیک بود ولی هواپیماهای خودمان خط روبرویی را بمباران کردند بدون اینکه به رزمندگان ما آسیب برسد.

وی یکی از خاطرات خود را در عملیات والفجرمقدماتی ذکر کردوگفت: تا بچه ها فهمیدند رمز این عملیات یا ابوالفضل است آب ققمچه های خود به یاد تشنه لبنان کربلا خالی کردند.

وی که خود هفت بار زخمی شده وچانبا ز ۲۵ درصد است،ایثارومقاومت رزمندگان را غیر قابل توصیف عنوان کرد و افزود: همه این کارها به لطف خدا واثمه بود که پشتیبان خوبی برای فرزندان این آب و خاک بودند.

وی بیان کرد: وقتی فردی با شناسنامه برادر بزرگتر خود به جبهه می آمد و یا سن خود را به نحوی بالا می برد و برخی خانواده خودشان نام فرزندانشان برای حضور در جبهه می نوشتند همه از شورو عشق حضور در صیانت از این انقلاب بود.

معاون تربیت بدنی سپاه امام سجاد(ع) هرمزگان که اهل بندرلنگه است می‌گوید: من متولد ۱۳۴۱ز بندرلنگه و درسال ۵۹ازطریق بسیج وارد سپاه وبرای اولین بار درآن سال به منطقه ای بنام مگاسیسوم سوسنگرداعزام شدم.

سرهنگ ملاحسین یوباری افزود: این منطقه در دست دشمن بود که طرف ۴۸ ساعت با همت رزمندگان آزاد شد ولی فاصله ما با عراقی ها کمتر از ۱۰۰ متر بود.

وی که حدود پنج سال جبهه در کارنامه دوران دفاع مقدس دارد گفت: برخی مواقع مثلا ۱/۵ سال در عملیات طریق القدس وبعد از آن در منطقه بودم و بغیر از حصر آبادان در بقیه عملیات شرکت داشتم.